

پرسی‌های چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه در زبان فارسی: تحلیلی رده‌شناختی - نحوی^۱

هنگامه واعظی^۲

یادگار کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

چکیده

پژوهش حاضر، به تبیین ابعاد رده‌شناختی هم‌پایگی انواع پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی می‌پردازد. در این نوع هم‌پایگی، همسانی که شرط لازم در این فرآیند نحوی است، رعایت نمی‌شود. همچنین، پرسش‌واژه‌هایی از دو گروه متمایز موضوع و افزوده، با حرف ربط «و» پیوند زده می‌شوند. بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که چنین بحثی در زبان فارسی مورد توجه قرار نگرفته است. در این پژوهش، برآنیم تا بدانیم که چه نوع پرسش‌واژه‌هایی با یکدیگر هم‌پایه می‌شوند و زبان فارسی در کدام رده زبانی قرار دارد. پس از ارزیابی ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی، هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها در شرایط حذف‌بندی نیز مورد بررسی قرار گرفت. بررسی داده‌ها نشان داد که پیوند دو پرسش‌واژه افزوده،

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.17841.1445

^۲ دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استادیار زبان‌شناسی همگانی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

(نویسنده مسئول): vaezi@iaurasht.ac.ir

^۳ دکترای تخصصی زبان‌شناسی، دانشیار زبان‌شناسی همگانی، عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان؛

y.karimi@uok.ac.ir

یک پرسش‌واژه موضوعی (اجباری یا اختیاری) و یک افزوده در این زبان مجاز است. هر چند پیوند دو پرسش‌واژه موضوعی در داده‌ها مشاهده نشد. بنابراین زبان فارسی به صورت خاص، ویژگی‌های هیچ‌یک از رده‌های زبانی آزاد، آمیخته و افزوده‌ای مطرح در زبان‌های دنیا را نشان نمی‌دهد و نمی‌توان آن را به طور قطعی در یکی از آن رده‌ها قرار داد. پیوند پرسش‌واژه‌ها دو نوع را نشان می‌دهد؛ متوالی و گسسته. نوع متوالی پرسش‌واژه‌ها در جمله‌های مرکب با حذف‌بندی نیز به کار می‌رود. در فرآیند حذف‌بندی دو نوع با مرجع و بدون مرجع وجود دارد. در جمله‌های با حذف‌بندی با مرجع، حضور پرسش‌واژه‌های هم‌پایه مجاز نیست. پیوند متوالی دو پرسش‌واژه فقط در نوع بدون مرجع مشاهده شد و حرکت هر یک از پرسش‌واژه‌ها به تنهایی در هر بند مجاز است. در این زبان، در هر بند فقط یک سازه کانونی وجود دارد و حرکت هم‌زمان بیش از یک پرسش‌واژه مجاز نیست. بنابراین چنین حالتی، فرض دو بند بودن چنین جمله‌هایی را در زبان فارسی قوت می‌بخشد.

واژه‌های کلیدی: زبان فارسی، پرسش‌های چندپرسش‌واژه‌ای هم‌پایه، رده

زبانی، هم‌پایگی، حذف‌بندی

۱. مقدمه

مقاله حاضر به بررسی پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه در زبان فارسی اختصاص دارد. هم‌پایگی به طور کلی، یکی از فرآیندهای نحوی یا دستوری است که واژه‌ها و جمله‌ها را با حروف ربط به یک‌دیگر متصل می‌کند. از مهم‌ترین ویژگی آن، تشابه معنایی، نقش و مقوله دستوری سازه‌ها است. برای نمونه

1. a) John ate **the apple and the orange**.

b) * John ate **the apple and yesterday**.

در جمله نخست، پیوند سازه‌ها امکان‌پذیر است، زیرا هر دو سازه، شرایط یکسانی داشته‌اند. به چنین حالتی شرط همسانی^۱ می‌گویند. هر چند جمله دوم این گونه نیست و این جمله غیردستوری شده‌است. به این معنا که شرط همسانی رعایت نشده‌است.

با وجود نمونه‌های بالا، ساختارهایی در زبان به کار می‌روند که شرط همسانی در هم‌پایگی را نقض می‌کنند اما همچنان جمله دستوری و هم‌پایه به شمار می‌آید. مانند ساخت‌های همراهی در زبان‌های «و»^۲ (Paperno, 2012; Stassen, 2000) و هم‌پایگی در ساخت‌های پرسشی با پرسش‌واژه.

¹ identity Condition

² AND Languages

هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها در زبان‌های گوناگونی مانند انگلیسی، صربو کرواتی، چک، هلندی، لهستانی، ترکی و مجارستانی بررسی شده‌است (Lipták, 2011). انواع سازه‌های پرسشی همپایه در زبان‌ها متفاوت است و هر زبانی با توجه به ویژگی خاص خود، محدودیت‌هایی را در هم‌پایگی واژه‌های پرسشی اعمال کرده‌است. نمونه‌ها، نشان داده‌اند که هم‌پایگی دو پرسش‌واژه فقط به سازه‌های مشابه محدود نمی‌شود؛ بلکه در بعضی از زبان‌ها، دو سازه متفاوت با دو نقش معنایی متمایز از هم همپایه شده‌اند که بر پایه قانون هم‌پایگی همسان‌ها^۱ (Williams, 1981) عمل نکرده‌اند.

2. a) * **What and When** did you buy? (English)

b) **Čto i kogda** oni podarili? (Russian)

what and when they gave

'What and when did they give?'

(Gribanova, 2009, p.134)

(Kasaie, 2016, p. 126)

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود، هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها در زبان‌های متفاوت، جمله‌های پرسشی گوناگونی را ایجاد کرده‌است.

بررسی‌های گوناگون زبانی نشان می‌دهند که پژوهشگران بسیاری، از گذشته تا به امروز همچنان به این حوزه علاقه دارند و عملکرد زبان‌ها در این نوع از هم‌پایگی مورد توجه است. از این رو، مقاله حاضر به بررسی هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی می‌پردازد. مطالعه پژوهش‌های فارسی نشان می‌دهد که هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها و انواع آن‌ها بررسی نشده‌است و تا آن‌جا که نگارندگان آگاهی دارند، فقط جمله‌های چند پرسش‌واژه‌ای در این زبان بحث شده‌اند.

بر پایه توضیحات بالا، نگارندگان بر آنند تا بدانند زبان فارسی چه انواعی از هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها را دارد. چه محدودیت‌هایی را پرسش‌واژه‌های همپایه نشان می‌دهند و در رده‌بندی جهانی زبان‌ها بر پایه مشخصات پرسشی همپایه، در کدام رده زبانی قرار می‌گیرد. بر این مبنا، مقاله از پنج بخش تشکیل می‌شود؛ در بخش دوم، پیشینه پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی به صورت خلاصه ارائه می‌شود. در زمینه هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها، موردی یافت نشده‌است. آثار غیر ایرانی فقط به بررسی زبان‌های گوناگون پرداخته‌اند که در متن به آن‌ها اشاره می‌شود. پس از آن در بخش سوم، مبانی نظری و اصول حاکم بر آن توصیف می‌شود. در بخش چهارم، تحلیل داده‌های فارسی بر مبنای رده‌های زبانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بخش پنجم، نمونه‌های حذف‌بندی و شرایط هم‌پایگی پرسش‌واژه‌های همپایه مورد بررسی قرار می‌گیرند. بخش پایانی به نتیجه‌گیری کلی اختصاص دارد.

¹ coordination of Likes Law

۲. پیشینه پژوهش

با مرور آثار پیشین مشاهده می‌شود که پیش از این پژوهشی در زمینه پیوند و هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی انجام نشده‌است. از این رو، فقط پیشینه پژوهش به معرفی بررسی‌های زبان فارسی در پرسش‌های چندپرسش‌واژه‌ای اختصاص می‌یابد. دلیل آن این است که در بحث هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها، بیش از یک پرسش‌واژه در نمونه‌ها وجود دارند که از این جنبه به پرسش‌های چندپرسش‌واژه‌ای شباهت دارند.

غلام‌علی‌زاده (Gholamalizadeh, 1993) در بررسی عملکرد «فرایند مبتدا ساز»^۱ به حرکت پرسش‌واژه اشاره می‌کند و آن را در زبان فارسی اختیاری می‌داند. وی در این تحلیل حرکت پرسش‌واژه را در چارچوب فرایند مبتداسازی توجیه می‌کند. او محل فرود سازه‌های مبتداساز (از جمله پرسش‌واژه‌ها) را مشخص‌گر گروه متمم‌نما معرفی می‌کند. وی در تحلیل خود بدون استدلالی بر اصول حاکم بر حرکت پرسش‌واژه فقط به ارائه مثال‌هایی از جمله‌های پرسشی ساده که در آن‌ها پرسش‌واژه مبتدا شده‌است، بسنده می‌کند. در این تحلیل، جمله‌های مرکب مورد توجه قرار نگرفته‌است و توجیه وی در عملکرد پرسش‌واژه‌ها، مبتداسازی پرسش‌واژه‌هاست.

رقیب‌دوست (Raghibdoust, 1994) تحلیلی صورت‌گرا از حرکت پرسش‌واژه‌ها بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی (Chomsky 1981; 1986) ارائه می‌دهد. وی با مقایسه زبان‌های متفاوت مانند بلغاری، زبان‌های اسلاوی و فارسی به تمایزات میان آن‌ها اشاره می‌کند. از دیدگاه وی، شباهت صوری زبان‌ها نمی‌تواند به عملکرد مشابه آن‌ها در حرکت پرسش‌واژه‌ها دلالت داشته باشد. وی در بررسی خود زبان فارسی را زبانی پرسش‌واژه در جای اصلی^۲ بر می‌شمرد؛ یعنی پیشیندی پرسش‌واژه‌ها در این زبان اجباری نیست. وی پیشیندی پرسش‌واژه‌ها را در زبان فارسی حاصل فرایند مبتداسازی در نظر می‌گیرد. افزون بر آن، حرکت پرسش‌واژه‌ها را اختیاری به شمار می‌آورد. برای نمونه

۳. کی کی دید؟ (همان، ۲۸)

وی با تمایز انواع زبان‌ها به دو نوع دارای پیشیندی چند پرسش‌واژه و بدون پیشیندی چند پرسش‌واژه معتقد است که عملکرد پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی از جهاتی شبیه به گروه اول و در مواردی دیگر به گروه دوم شباهت دارد. بنابراین رفتار نحوی پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی، طبقه خاص خود را دارا است (Raghibdoust, 1994, p. 47). در نتیجه وی نیز همچون غلام‌علی‌زاده (Gholamalizadeh, 1993) معتقد است حرکت پرسش‌واژه حاصل فرایند مبتداسازی است. از

¹ topicalization

² wh-in-situ language

دیدگاه وی گویشوران فارسی زبان، پرسش‌واژه‌های در جای اصلی را در اولویت قرار می‌دهند (همان، ۳۰).

لطفی (Lotfi, 2003) و میرسعیدی و منصوری (Mirsa'idi & Mansouri, 2012) به ساخت‌های پرسشی چندپرسش‌واژه‌ای می‌پردازند. هدف از بررسی آن‌ها این است که عملکرد پرسش‌واژه‌ها را در ارتباط با اصول مطرح در نظریهٔ کمینه‌گرایی مورد ارزیابی قرار دهند. نگارندگان اصول حرکت به جایگاه بالاتر / جذب نزدیک‌ترین^۱ را مورد توجه قرار می‌دهند. آن‌ها در بررسی خود از حرکت پرسش‌واژه‌ها با توجه به اصول کمینه‌گرایی این پرسش را مطرح می‌سازند که آیا پرسش‌واژه‌ها در رفتار نحوی خود به اصول نحوی مانند جذب نزدیک‌ترین سازه نیاز دارند. آیا پرسش‌واژه‌ها چنین اصولی را رعایت می‌کنند. برآیند پژوهش‌های پیش‌گفته چنین است که در زبان فارسی نیازی به اصول اولی‌ترین / جذب نزدیک‌ترین با توجه به بررسی داده‌های مقاله‌ها وجود ندارد. به بیان دیگر، در جمله‌های فارسی بررسی شده، کاربردی ندارند. بر این مبنا، آن‌ها اصول جهانی نیستند و پارامتر زبانی به شمار می‌آیند.

۳. مبانی نظری پژوهش

پژوهش حاضر از دو دیدگاه رده‌شناختی و نحوی به بررسی داده‌ها می‌پردازد. در بحث رده‌شناختی داده‌ها بر مبنای دیدگاه لیپتاک (Lipták, 2003; 2011) و ویت‌من (Whitman, 2004; 2007) مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس انواع نمونه‌های فارسی در چنین جمله‌هایی با حذف‌بندی مرچنت (Merchant, 2001) ارائه خواهند شد.

لیپتاک (Lipták, 2003) در بررسی خود از زبان مجارستانی، ساخت‌های پرسشی هم‌پایه را مورد توجه قرار می‌دهد. وی پرسش‌های چندپرسش‌واژه‌ای^۲ را در زبان مجارستانی به دو نوع هم‌پایه^۳ و غیر هم‌پایه تقسیم می‌کند. از دیدگاه وی، در این زبان، این دو نوع ساخت به لحاظ نحوی رفتارهای متفاوتی دارند و هر یک از آن‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارد. وی در بررسی خود به تحلیل نحوی و اثبات ادعای خود مبنی بر متفاوت‌بودن آن دو نوع می‌پردازد. بر مبنای تحلیل وی، در زبان مجارستانی، پرسش‌واژه‌ها می‌توانند با حرف ربط «و» به یک‌دیگر پیوند زده

^۱ superiority /ACP= Attract Closest Principle

^۲ در همه بررسی‌های انجام شده در زبانهای دنیا، اصطلاح چند پرسش‌واژه‌ای به کار رفته است و جملات شاهد تنها همپایگی بین دو واژه را نشان می‌داد. برای اجتناب از گستردگی موضوع و تمرکز بر محتوای نظری، **صورت بی نشان همپایگی بین دو واژه** مورد توجه قرار گرفته‌است. بعلاوه امکان همپایگی بیش از دو پرسش‌واژه نیز امکان پذیر است که مقاله حاضر فارغ از تعداد پرسش‌واژه‌ها تنها به صورت بی نشان آن‌ها پرداخته‌است.

^۳ conjoined Multiple WH-questions

شوند و پرسش‌واژه‌های هم‌پایه را بسازند. این گروه، از دو نوع پیش‌فعلی و پس‌فعلی تشکیل می‌شوند. در گروه پیش‌فعلی، دو پرسش‌واژه با پیوند حرف ربط «و» پیش از فعل در جمله قرار می‌گیرند و در گروه پس‌فعلی، پرسش‌واژه دوم و حرف ربط پس از فعل می‌آیند. مانند:

4. a) **Ki es mikor** latta Marit? (هم‌پایه پیش‌فعلی^۱)

who-nom and when saw-3Sg Mary-acc
'Who saw Mary and when?'

b) **Mikor es hol** lattad Marit?

when and where saw-2Sg Mary-Acc
'When and where did you see Mary?'

5. a) **Ki** latta Marit **es mikor**? (هم‌پایه پس‌فعلی^۲)

who-Nom saw-3Sg Mary-Acc and when
'Who saw Mary and when?'

b) **Mikor** lattad Marit **es hol**?

when saw-2Sg Mary-Acc and where
'When and where did you see Mary?'

(Lipták, 2003, p. 143)

نوع دیگر آن‌ها، بدون حرف عطف، غیر هم‌پایه هستند. وی معتقد است که این دو نوع، رفتارهای متفاوت نحوی دارند.

لیپتاک (Lipták, 2011) در مقاله دیگر خود، زبان‌ها را با توجه به ویژگی‌هایشان در هم‌پایگی انواع پرسش‌واژه‌ها به چهار گروه و رده زبانی تقسیم می‌کند؛

الف) **زبان‌های پرسشی چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه صفر^۳**: زبان‌هایی که در آن‌ها پرسش‌واژه‌ها مجاز به پیوند نیستند و هم‌پایه نمی‌شوند مانند چینی و ژاپنی (Whitman, 2004; 2007).

ب) **زبان‌های پرسشی چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه افزوده‌ای^۴**: زبان‌هایی که در آن‌ها فقط پرسش‌واژه‌های افزوده با یک‌دیگر پیوند می‌خورند. مانند زبان‌های هلندی، انگلیسی (Whitman, 2004; 2007)، اسپانیایی و ایتالیایی.

پ) **زبان‌های پرسشی چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه آزاد^۵**: زبان‌هایی که در آن‌ها همه سازه‌ها اعم از وابسته‌های موضوعی، متمم‌های اختیاری و افزوده‌ها مجاز به پیوند هستند مانند مجارستانی (Lipták, 2003)، روسی و لهستانی.

¹ preverbal coordination

² post verbal coordination

³ no Coordinated Multiple WH-Questions

⁴ adjunct Coordinated Multiple WH-Questions Languages

⁵ free Coordinated Multiple WH-Questions Languages

ت) زبان‌های پرسشی چند پرسش‌واژه‌ای همپایه آمیخته^۱: زبان‌هایی که در آن‌ها فقط سازه‌های اختیاری مانند افزوده‌ها یا متمم‌های اختیاری مجاز به پیوند با یک‌دیگر هستند مانند آلمانی.

وی در بررسی خود و مشاهده داده‌ها، رده‌زبانی مجارستانی را در گروه پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای همپایه ارائه می‌دهد (جدول (۱)). پس از تحلیل رده‌شناختی به تحلیل نحوی روی می‌آورد. از دیدگاه وی، این دو نوع پرسش هم‌پایه پیش‌فعلی و پس‌فعلی رفتار نحوی متفاوتی از خود نشان می‌دهند؛ در تحلیل نحوی خود به دو نوع تک‌بندی و دوبندی آن‌ها بسنده می‌کند. در زبان مجارستانی، انواع هم‌پایه پیش‌فعلی، تک‌بندی و پرسش‌های همپایه پس‌فعلی دوبندی هستند. در ساخت‌هایی که دوبندی هستند، پدیده‌ی نحوی حذف مطرح است.

6. a) Preverbal coordination: [_{FocP} [wh₁ & wh₂] V]
b) Postverbal coordination: [_{FocP} wh₁ V] & [_{FocP} wh₂ Δ]
(Lipták, 2003, p.149)

لیپتاک (Lipták, 2003) معتقد است که تنوع عملکرد پیوند پرسش‌واژه‌ها در جمله‌های پرسشی و رده‌بندی آن‌ها، به ویژگی‌های زبان‌ها بستگی دارد. هر زبانی با توجه به مشخصه‌های خود، در رده و طبقه خاصی قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالب پیشین، نگارندگان در پی آن‌اند تا با استناد بر ویژگی‌های زبان‌فارسی، رده‌زبانی و ویژگی‌های عملکرد این نوع از پرسش‌ها را در این زبان مورد بررسی قرار دهند و انواع پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای همپایه را در این زبان تعیین نمایند.

۴. پرسش‌واژه‌های همپایه در زبان فارسی

کریمی و طالقانی (Karimi & Taleghani, 2007, p. 169) پرسش‌واژه‌ها را در زبان فارسی به دو نوع تقسیم می‌کنند؛

الف) پرسش‌واژه‌های موضوعی: در جایگاه موضوع (وابسته‌های اصلی فعل) هستند. مانند: چه، کی و مانند این‌ها.

ب) پرسش‌واژه‌های افزوده‌ای: در جایگاه افزوده (سازه‌های اختیاری) قرار دارند. مانند: کجا، کی، چرا، چطور و مانند این‌ها.

با در نظر گرفتن احتمالی پیوند پرسش‌واژه‌ها در زبان‌فارسی، سه امکان در همپایه شدن پرسش‌واژه‌ها فرض می‌شود؛ نخست، هر دو پرسش‌واژه افزوده‌ای باشند. دوم، یک پرسش‌واژه موضوعی و یک پرسش‌واژه افزوده‌ای باشند. سوم، هر دو پرسش‌واژه موضوعی باشند.

¹ mixed Coordinated Multiple WH-Questions Languages

رده‌های زبانی با استناد بر هم‌پایگی انواع پرسش‌واژه‌ها با یک‌دیگر تعریف می‌شوند. در ادامه، داده‌های فارسی را در هر یک از طبقه‌های احتمالی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۴.۱. پیوند دو پرسش‌واژه افزوده‌ای

۷. الف) کی و کجا به دنیا آمده‌ای؟ (نوع اول)

ب) روز قدس چرا و چگونه پایه‌گذاری گردید؟

۸. الف) کی به دنیا آمده‌ای و کجا؟ (نوع دوم)

ب) روز قدس چرا پایه‌گذاری گردید و چگونه؟

همان‌گونه که جمله‌های (۷) و (۸) نشان می‌دهند پیوند دو پرسش‌واژه افزوده‌ای در زبان فارسی قابل قبول است. این نوع از پرسش‌ها با قضاوت سخنگویان فارسی کاملاً طبیعی هستند. در زبان فارسی دو نوع از هم‌پایگی قابل مشاهده است. در جمله‌های (۷ الف و ب) هر دو پرسش‌واژه به صورت پشت‌پشت سر هم، پیش از فعل قرار گرفته‌اند. این در حالی است که در نوع دوم در نمونه‌های (۸ الف و ب) دو سازه هم‌پایه از هم جدا هستند و سازه دوم در انتهای جمله قرار دارد. نوع نخست را متوالی و نوع دوم را گسسته می‌نامیم.

۴.۲. پیوند یک پرسش‌واژه موضوعی و یک پرسش‌واژه افزوده‌ای

در زبان فارسی، پرسش‌واژه‌های موضوعی در جایگاه وابسته‌های اصلی و اختیاری قرار می‌گیرند. موضوع‌های اصلی که در جایگاه فاعل و مفعول مستقیم اشاره دارند. این سازه‌ها، وابسته‌های اصلی فعل‌ها به شمار می‌آیند. علاوه بر نمونه‌های اجباری، وابسته‌های اختیاری نیز در این زبان وجود دارد که با فعل‌های ویژه‌ای در جمله قرار می‌گیرند. برای نمونه، متمم‌های اختیاری (از کسی یا به کسی) که با فعل‌های اجاره کردن و فروختن به کار می‌روند. چنانچه این متمم‌های اختیاری در جمله پنهان باشند، فرد از روابط معنایی و نحوی به آن‌ها پی خواهد برد. بنابراین در بحث هم‌پایگی پرسش‌واژه‌های موضوعی با افزوده‌ها با دو وضعیت روبرو هستیم. نخست، موضوع در جایگاه فاعل و مفعول قرار دارد. دوم موضوع، یک متمم اختیاری باشد.

۴.۲.۱. پیوند پرسش‌واژه موضوعی (فاعلی و مفعولی) و پرسش‌واژه افزوده‌ای

۹. الف) چه کسانی و چرا در تهران به خیابان آمدند؟ (نوع نخست^۱)

^۱ www.jahannews.com

ب) چه زمانی و چه بخش‌هایی را به شرکت‌های بازار یابی اینترنتی برون‌سپاری کنیم؟

۱۰. الف) چه کسانی در تهران به خیابان آمدند و چرا؟ (نوع دوم)

ب)؟؟ چه زمانی به شرکت‌های بازار یابی اینترنتی برون‌سپاری کنیم و چه بخش‌هایی را؟

نمونه‌های بالا در جمله‌های (۹) و (۱۰) نشان می‌دهند که در زبان فارسی امکان پیوند سازه‌های موضوعی (فاعلی، مفعولی) و افزوده‌ای وجود دارد. هر دو نوع متوالی و گسسته در این زبان به کار می‌رود.

نکته قابل توجه در نوع دوم در جمله (۱۰ الف) این است که قرار گرفتن پرسش‌واژه افزوده‌ای در انتهای جمله در مقایسه با نمونه (۱۰ ب) قابل قبول‌تر است. به این معنا که حضور پرسش‌واژه موضوعی (مفعولی) در پایان جمله، درجه پذیرش پائین‌تری را در قضاوت سخنگویان فارسی زبان نشان می‌دهد. پس در حالت گسسته، قرار گرفتن پرسش‌واژه افزوده‌ای نسبت به پرسش‌واژه موضوعی برتری دارد و درجه پذیرش بالاتری را نشان می‌دهد. چنین مشخصه‌ای، عملکرد پرسش‌واژه‌ها موضوعی و افزوده‌ای را در زبان فارسی محدود کرده‌است.

در مورد پرسش‌واژه موضوعی فاعلی (توسط چه کسی) که برخی معتقدند چنین ساخت‌هایی با الگوبرداری از زبان انگلیسی است، چنین محدودیتی با استناد بر داده‌های گردآوری‌شده، مشاهده نمی‌شود. برای نمونه

۱۱. الف) ترور احمد شاه مسعود چگونه و توسط چه کسی اتفاق افتاد؟

ب) ترور احمد شاه مسعود چگونه اتفاق افتاد و توسط چه کسی؟

۴.۲.۲. پیوند پرسش‌واژه موضوعی (متمم اختیاری) و پرسش‌واژه افزوده‌ای

۱۲. الف) ماشین را از کی و کی کرایه کردی؟ (نوع اول)

ب) کی و با کی ازدواج کردی؟

۱۳. الف) ماشین را از کی کرایه کردی و کی؟ (نوع دوم)

ب) کی ازدواج کردی و با کی؟

در جمله‌های (۱۲ الف و ب) دو پرسش‌واژه موضوعی که متمم‌های اختیاری هستند با پرسش‌واژه افزوده‌ای همپایه شده‌اند. فعل‌های کرایه کردن و ازدواج کردن از جنبه معنایی، وابسته‌هایی اختیاری دارند. در جمله‌های (۱۳ الف و ب) نوع گسسته، هر دو نوع پرسش‌واژه‌های افزوده‌ای و موضوعی اختیاری و کی، و با کی در انتهای جمله قابل قبول و مجاز هستند.

۳.۴. پیوند دو پرسش‌واژه موضوعی

در این حالت دو پرسش‌واژه موضوعی فاعلی و مفعولی هم‌پایه می‌شوند. آنچه باید در این گروه در نظر گرفت، سازه‌ها با دو نقش معنایی متفاوت با یکدیگر پیوند می‌خورند. به نمونه‌های فارسی توجه کنید.

۱۴. الف) کی و چی (برای مریم) خرید؟ (نوع اول)

ب) * چی و به کی تو دادی؟

پ) * چه چیزی را و به کی دادی؟

۱۵. الف) * کی (برای مریم) خرید و چی ؟ (نوع دوم)

ب) * چی تو دادی و به کی ؟

پ) * چه چیزی را دادی و به کی ؟

نمونه‌های (۱۴) و (۱۵) نشان می‌دهند که در زبان فارسی هم‌پایگی دو پرسش‌واژه با دو نقش معنایی متفاوت امکان‌پذیر نیست.

۵. نتیجه‌گیری و تحلیل رده‌شناختی

پیش از آنکه شرایط زبان فارسی را با توجه به نمونه‌های بررسی شده مورد بحث قرار دهیم، انواع الگوهای هم‌پایگی پرسش‌واژه‌ها را در زبان‌های دنیا ارائه می‌کنیم تا با استناد بر یافته‌های پژوهش، جایگاه و رده زبان فارسی را تعیین کنیم.

جدول ۱: انواع الگوهای پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه^۱ میان زبان‌ها

پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه آزاد	پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه آمیخته	پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه افزوده‌ای	پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه صفر	الگو
وابسته‌های اجباری؛ وابسته‌های اختیاری و افزوده‌ای‌ها	پرسش‌واژه‌های افزوده‌ای؛ وابسته‌های اختیاری	فقط دو پرسش‌واژه افزوده‌ای	----	پرسش‌واژه‌های هم‌پایه
لهستانی مجارستانی روسی بلغاری رومانیایی	انگلیسی آلمانی	هلندی انگلیسی اسپانیایی ایتالیایی	چینی ژاپنی	زبان‌ها

^۱ CMWQ= Coordinated Multiple Wh- Questions

همان گونه که در جدول بالا آمده است در سه رده زبانی، هم پایگی پرسش واژه‌ها در زبان‌ها مشاهده شده است؛ زبان‌های افزوده‌ای، آمیخته و آزاد. در رده زبان‌های افزوده‌ای فقط هم پایگی افزوده‌ها مجاز است و پیوند وابسته‌های اختیاری و اصلی وجود ندارد. نمونه‌های (۷) و (۸) نشان دادند که در هر دو حالت متوالی و گسسته، هم پایگی دو پرسش واژه افزوده‌ای وجود دارد. رده زبان‌های افزوده‌ای، فقط صورت افزوده‌ای را دارند مانند زبان‌های فهرست شده در جدول (هلندی و موارد مشابه). از آنجایی که هم پایگی پرسش واژه‌های دیگر نیز در زبان فارسی مشاهده شده است، پس فارسی در رده زبان‌های افزوده‌ای قرار ندارد.

رده زبان‌های آمیخته، زبان‌هایی را شامل می‌شود که در آن‌ها فقط سازه‌های اختیاری مانند افزوده‌ها و متمم‌های اختیاری همپایه می‌شوند. با استناد بر نمونه‌های فارسی (۹) تا (۱۳) کاربرد پرسش واژه‌های موضوعی اختیاری و اجباری به همراه پرسش واژه‌های افزوده مجاز است. در زبان فارسی هم پایگی پرسش واژه‌های موضوعی و افزوده‌ای وجود دارد اما الزاماً موضوع‌های اختیاری نیستند و موضوع‌های اجباری را نیز نشان می‌دهد. بنابراین زبان فارسی همه شرایط لازم برای رده زبان‌های آمیخته را نشان نمی‌دهد و در این رده نیز قرار نمی‌گیرد. در رده زبان‌های آزاد، هر نوع از سازه‌ها همپایه می‌شوند. محدودیتی در هم پایگی پرسش واژه‌های موضوعی و افزوده‌ای نیست. نمونه‌های (۱۴) و (۱۵) در زبان فارسی نشان می‌دهند که هم پایگی دو پرسش واژه موضوعی (از جمله اجباری و اختیاری) همزمان با دو نقش معنایی متفاوت مجاز نیست. بنابراین زبان فارسی در رده زبان‌های آزاد نیز قرار ندارد. نتیجه و بحث رده شناختی زبان فارسی این است که این زبان با توجه به ویژگی‌های خاصی که نشان می‌دهد در هیچ یک از رده‌های پیشنهادی لیپتاک (Lipták, 2003; 2011) به طور مشخص قرار نمی‌گیرد.

در بررسی بین‌زبانی اخیر زبان‌ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ زبان‌های دارای پیش‌بندی چند پرسش واژه^۱ و زبان‌های بدون پیش‌بندی چند پرسش واژه^۲. در زبان‌های گروه اول، حرکت و پیش‌بندی همزمان چند پرسش واژه امکان‌پذیر و قابل قبول است مانند زبان بلغاری. در گروه دوم، زبان‌هایی مطرح هستند که پرسش واژه در آن‌ها حرکت نمی‌کند و یا در صورت حرکت، فقط یک پرسش واژه مجاز به جابه‌جایی است (Gracanin-Yuksek, 2017)؛ پس در زبان‌های نوع دوم حرکت چندین پرسش واژه مجاز نیست مانند زبان فارسی. در چنین رده‌بندی، همه زبان‌هایی که هم پایگی پرسش واژه‌ها را نشان می‌دهند، هم پایگی یک افزوده و افزوده دیگر را دارند. چنین فرضی یعنی همه زبان‌های دارای هم پایگی پرسش واژه‌ای، ویژگی رده زبان‌های

¹ multiple fronting languages=MF languages

² non multiple fronting languages= Non-MF languages

افزوده‌ای لیپتاک (Lipták, 2011) را دارند. شواهد زبان فارسی چنین فرضی را تأیید می‌کند. هر چند فقط زبان‌هایی که پیشابندی چندین پرسش‌واژه را دارند، هم‌پایگی دو وابسته موضوعی را نشان می‌دهند (Gracanin-Yukse, 2017). شواهد زبان فارسی نیز این ادعای اخیر را تأیید می‌کند. بنابراین در طبقه‌بندی گراچانین یوکسک (Gracanin-Yukse, 2017)، زبان فارسی در گروه زبان‌های بدون پیشابندی چندین پرسش‌واژه قرار می‌گیرد و هم‌پایگی افزوده‌ها را نشان می‌دهد و برخلاف زبان‌های گروه اول، هم‌پایگی دو وابسته موضوعی در آن معجز نیست. در رده‌بندی کلی پیشنهادی زبان‌ها، زبان فارسی همانند زبان‌های آلمانی، انگلیسی، هلندی در گروه زبان‌های بدون پیشابندی چند پرسش‌واژه قرار می‌گیرد. این در حالی است که در تعیین دقیق نوع رده‌زبانی بر مبنای تقسیم‌بندی لیپتاک و ویت‌من باید گفت زبان فارسی آمیختگی هم‌پایگی میان پرسش‌واژه‌های افزوده و موضوعی را با یکدیگر نشان می‌دهد اما هم‌پایگی دو پرسش‌واژه موضوعی را ندارد. در تقسیم‌بندی مطرح در مبانی نظری، اختیاری و اجباری بودن وابسته‌های موضوعی مورد توجه بوده‌است که ویژگی‌های زبان فارسی بر مبنای آن در زیر ارائه می‌شود.

جدول ۲: راهکارهای زبان فارسی در هم‌پایگی انواع پرسش‌واژه‌ها

پرسش‌واژه‌های هم‌پایه فارسی	افزوده +	موضوع اجباری +	موضوع اختیاری +	موضوع +
	افزوده	افزوده	افزوده	موضوع
	بله	بله	بله	خیر

۶. پرسش‌های چند پرسش‌واژه‌ای هم‌پایه و حذف‌بندی

در حذف‌بندی^۱، بند درونه‌ای پس از پرسش‌واژه، حذف می‌گردد اما تعبیر معنا از بخش محذوف کامل است؛

۱۶. علی کسی^۲ دید اما یادم نمی‌یاد [کمی^۳ علی <کی> دید] (با مرجع)

در جمله^{۱۶} بند درونه‌ای حذف شده‌است اما پرسش‌واژه در خارج از بند برجا مانده‌است. بنابراین، پرسش‌واژه پیش از حذف از جایگاه خود حرکت کرده و در گروه بالاتری قرار می‌گیرد. در این حالت، بند اول را بند مرجع دار^۲ و بند دوم را بند محذوف^۳ می‌نامند. پرسش‌واژه نیز سازه بر جا مانده^۴ نامیده می‌شود.

¹ sluicing

² antecedent clause

³ elided clause

⁴ remnant

مرچنت (Merchant, 2001) معتقد است که پرسش واژه حرکت می کند و سپس حذف انجام می شود. یعنی حذف زمانی رخ می دهد که سازه ای معادل سازه ی دیگری باشد. به بیان دیگر، بند اول به بند مرجع دار شباهت معنایی داشته باشد. بنابراین، در رویکرد حذف «شرط همسانی» شرط اصلی حذف به شمار می آید. اصطلاح «e-giveness» در پیوند با چنین شرطی مطرح شده است: هرگاه میان بند مرجع دار و بند درونه ای رابطه استلزام معنایی دوسویه^۱ برقرار گردد، حذف بند درونه ای رخ خواهد داد. از این رو، در تعبیر معنایی، هر دو سازه به یک مصداق^۲ واحدی دلالت دارند. در این صورت حذف بند شکل می گیرد مانند نمونه (۱۶).

زبان فارسی دو نوع حذف را نشان می دهد؛ حذف بندگی با مرجع و بدون مرجع. در نمونه نخست، پرسش واژه به مرجعی در بند اول ارجاع دارد (نمونه ۱۶)؛ اما در نوع دوم پرسش واژه ها (افزوده یا وابسته پنهان) در بند اول مرجعی ندارند (نمونه ۱۷).

۱۷. یه ماشین جلوی در پارکه اما نمی دونم مال کیه. (بدون مرجع)
علاوه بر جمله های تک پرسش واژه ای، در زبان فارسی نمونه هایی از پرسش واژه های هم پایه نیز مشاهده شده اند.

۱۸. کلیدش رُگم کرده اما نمی دونم کی و کجا. (بدون مرجع)

۱۹. شنیدیم که تصادف کرده اما نمی دونیم با کی و کی. (بدون مرجع)

۲۰. فهمیدم که علی به قتل رسیده اما نمی دونم توسط چه کسی و کی. (بدون مرجع)

۲۱. * همه مهمان ها یه چیزی آوردن اما نمی دونم کی و چی. (با مرجع)

داده های فارسی (۱۸) تا (۲۱) نشان می دهند که پیوند پرسش واژه ها در این نوع از جمله ها نیز محدودیت هایی دارند و فقط به صورت متوالی به کار می روند. تا آنجا که نمونه ها گردآوری شده اند، نوع با مرجع با پرسش واژه های هم پایه قابل قبول نیستند. پیوند دو افزوده، یک وابسته اختیاری یا اجباری با افزوده ها مجاز است.

زبان شناسان بسیاری به عملکرد نحوی این نوع جمله ها توجه کرده اند و هدف آن ها توضیح نحوه اشتقاق چنین جمله هایی بر پایه فرآیندهای نحوی و نظری است. سیتکو و گراچانین بوکسک (Citko & Gracanin-Yukse, 2013) زبان های گوناگونی مانند روسی، صربو کراتی و لهستانی را بررسی کردند تا دریابند چنین ساخت هایی دو بندی یا تک بندگی هستند و اشتقاق آن ها چه توجیه نحوی دارد. آن ها در بررسی خود به این نتیجه رسیدند زبان هایی که حرکت چندین

¹ mutual entailment

² referent

پرسش‌واژه را به طور هم‌زمان ندارند، فقط شیوه اشتقاق چنین جمله‌هایی، دوبندی بودن آن‌هاست. هایدا و رپ (Haida & Repp, 2011) پس از بررسی خود به نتیجه‌ای مشابه سیتکو و گراچانین - یوکسک (Citko & Gracanin-Yukse, 2013) رسیدند؛ همه زبان‌هایی که حرکت چندین پرسش‌واژه را به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون به طور هم‌زمان دارند، حرکت حاشیه‌ای آن‌ها فقط در یک بند انجام می‌شود؛ پس تک‌بندی هستند. در تک‌بندی‌ها، پرسش‌واژه‌های هم‌پایه با هم یک‌سازه فرض می‌شوند. مرچنت (Merchant, 2007)، گریبانوا (Gribanova, 2009) و کازنین (Kazenin, 2002) در بررسی هم‌پایگی دو پرسش‌واژه موضوعی معتقدند که هر دو پرسش‌واژه هم‌پایه یک‌سازه هستند.

به طور کلی فرضیه‌های پیشنهادی از بررسی زبان‌های گوناگون به شرح زیر هستند؛ الف) زبانی که حرکت پرسش‌واژه را در جمله‌های پرسشی ندارد، پیوند چند پرسش‌واژه را نیز نخواهد داشت.

ب) زبانی که حرکت چندین پرسش‌واژه را بطور هم‌زمان ندارد، پرسش‌های چندپرسش‌واژه‌ای هم‌پایه آن دوبندی هستند.

پ) زبانی که حرکت چندین پرسش‌واژه را بطور هم‌زمان دارد، پرسش‌های چندپرسش‌واژه‌ای هم‌پایه آن تک‌بندی هستند (Lipták, 2011).

در زبان فارسی حرکت پرسش‌واژه اختیاری است، در صورت حرکت فقط یک پرسش‌واژه به جایگاه گروه کانون یا منظور حرکت می‌کند. ریزی (Rizzi, 2004) معتقد است در هر بند فقط یک سازه کانونی مجاز است.

۲۲. الف) علی هرگز چی را نمی‌بیند؟ (بدون حرکت؛ در جای اصلی)

ب) **چی را علی هرگز نمی‌بیند؟** (پرسش‌واژه در جایگاه مشخص‌گر گروه کانون)

پ) **؟؟ هرگز/هیچ‌وقت چی را علی نمی‌بیند؟** (حضور دو سازه کانونی)

ت) **چی را هرگز علی نمی‌بیند؟** (سازه‌ای کانونی به جز پرسش‌واژه (Vaezi, 2013, p. 218) همان‌گونه که نمونه (۲۲) نشان می‌دهد، در زبان فارسی در هر بند یک سازه کانونی مجاز است. با توجه به فرضیه (ب) زبانی که حرکت چندین پرسش‌واژه را به طور هم‌زمان ندارد، پرسش‌های چندپرسش‌واژه‌ای هم‌پایه آن دو بندی هستند. بنابراین پرسش‌واژه‌های هم‌پایه، هر یک به طور مجزا به جایگاهی بالاتر (گروه کانون یا منظور) حرکت می‌کنند. چنین فرضیه‌ای اشاره به این مطلب دارد که دو پرسش‌واژه هم‌پایه در دو بند متفاوت قرار دارند. بنابراین زبان فارسی از زبان‌هایی مانند بلغاری متفاوت است که هم‌زمان چندین پرسش‌واژه به گروه کانون حرکت

می کنند. عملکرد نحوی و تبیین اشتقاق چنین جمله‌هایی با جزئیات بیشتر در مقاله دیگری ارائه می شود.

۲. نتیجه گیری

در زبان فارسی، هم پایگی پرسش واژه‌ها مجاز است و انواع آن در این زبان عبارت اند از هم پایگی دو پرسش واژه افزوده؛ یک پرسش واژه موضوعی (اعم از اجباری و اختیاری) و یک پرسش واژه افزوده. زبان فارسی با توجه به داده‌های گردآوری شده در پژوهش حاضر شرایط لازم هیچ یک از رده‌های زبانی آمیخته، افزوده و آزاد پیشنهادی در چارچوب نظری را نشان نمی دهد. پرسش واژه‌های همپایه، با دو حالت ساختاری متوالی و گسسته در این زبان به کار می روند. در نوع گسسته، حضور پرسش واژه افزوده در انتهای جمله در مقایسه با پرسش واژه موضوعی درجه پذیرش بالاتری دارد. در جمله‌های مرکب با حذف بندی، فقط نوع متوالی پرسش واژه‌ها مشاهده شد. هم پایگی پرسش واژه‌ها در جمله‌های با حذف بندی از نوع بدون مرجع امکان پذیر است؛ به بیان ساده تر، در جمله‌های با حذف بندی با مرجع، حضور پرسش واژه‌های هم پایه مجاز نیستند.

فهرست منابع

غلام علی زاده، خسرو (۱۳۷۲). *فرایندهای حرکتی در زبان فارسی*. رساله دکتری. دانشگاه تهران.
واعظی، هنگامه (۱۳۹۲). «ساخت‌های پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی: رویکردی کمینه گرا». *زبان پژوهی*، دوره ۵. شماره ۹۰۱. صص ۱۹۹-۲۲۱.

References

- Chomsky, N. (1981). *Lectures on government and binding*. Dordrecht: Foris.
Chomsky, N. (1986). *Barriers*. Cambridge, Massachusetts, United States: MIT Press.
Citko, B., & Gracanin-Yukse, M. (2013). Towards a new typology of coordinated wh-Questions. *Linguistics*, 49, 1-32.
Gholamalizadeh, Kh. (1993). *The movement processes in Persian* (PhD dissertation), Tehran University, Tehran, Iran [in Persian].
Gracanin-Yukse, M. (2017). Conjoined wh-questions. In M. Everaert & H. Van Riemsdijk (Eds.), *The Companion to Syntax (2nd edition*, pp. 1127-1161). Hoboken, New Jersey, United States: Wiley-Blackwell.
Gribanova, V. (2009). Structural adjacency and the typology of interrogatives. *Linguistic Inquiry*, 40, 133-154.
Haida, A., & Repp, S. (2011). Mono-clausal question word coordinations across languages. *The North East Linguistic Society (NELS)*, 39(1), 361-374.
Karimi, S., & Taleghani, A. (2007). Wh-Movement, interpretation, and optionality in Persian. In S. Karimi, V. Samiiian, & W. Wilkins (Eds.), *Clausal and phrasal architecture: syntactic derivation and interpretation* (pp. 167-187). Amsterdam: John Benjamins.
Kasaie, H. (2016). Coordinated wh-questions in Japanese. *Lingua*, 183, 126-148.

- Kazenin, K. (2002). *On coordination of wh-phrases in Russian* (Master's thesis). Tübingen University, Tubigen, Germany and Moscow State University, Moskva, Russia.
- Lipták, A. (2003). Conjoined questions in Hungarian. In C. Boeckx & K. Grohmann (Eds.), *Multiple wh-fronting. Linguistik Aktuell/Linguistics Today 64* (pp. 141-160). Amsterdam: John Benjamins.
- Lipták, A. (2011). Strategies of wh-coordination. *Linguistic Variation, 1*(2), 149-188.
- Lotfi, A. R. (2003). Persian *wh*-riddles. In C. Boeckx & K. Grohmann (Eds.) *Multiple wh-fronting. Linguistik Aktuell/Linguistics Today 64* (pp. 160-186). Amsterdam: John Benjamins.
- Merchant, J. (2001). *The syntax of silence: sluicing, islands, and the theory of ellipsis*. Oxford and New York: Oxford University Press.
- Merchant, J. (2008). *Spurious coordination in Vlach multiple wh-fronting*. Mid-America Linguistics Conference, 26-28 October 2008, University of Kansas, Kansas, USA. [Online]:
<<http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.585.4764&rep=rep1&type=pdf>>
- Mirsa'idi, A., & Mansouri, S. (2012). Wh-movement in multiple-questions in Persian. In F. Tag (Ed.), *International Conference on Language, Medias and Culture, 33*, 1-4. China: IACSIT Press.
- Paperno, D. (2012). Comitative coordination in Q'anjob'al. *UCLA Working Papers in Linguistics, Papers in Semantics, 16*, 111-130.
- Raghibdoust, Sh. (1994). Multiple *wh*-Fronting in Persian. *Cahiers de Linguistique, 21*, 27-58.
- Rizzi, L. (2004). Locality and left Periphery. In A. Belletti (Ed.), *Structures and Beyond: the cartography of syntactic structure* (pp. 223-251), Oxford: Oxford University Press.
- Stassen, L. (2000). AND-languages and WITH-languages. *Linguistic Typology, 4*, 1-54.
- Vaezi, H. (2013). WH-constructions in Persian: a minimalist approach. *Zabanpazhouhi, 5*(901), 199-221 [in Persian].
- Whitman, N. (2004). Semantics and pragmatics of English verbal dependent coordination. *Language, 80*(3), 403-434.
- Whitman, N. (2007). Cross linguistic semantics of coordinated-*wh* interrogatives. *Conference of the Ohio University Linguistics Department (COULD)*. [Online]:
<http://literalmindedlinguistics.com/Coord_Wh/home.html>
- Williams, E. (1981). Transformationless grammar. *Linguistic Inquiry, 12*(4), 645-653.

Conjoined Multiple WH-Questions in Persian: A Typo-syntactic Analysis

Hengameh Vaezi¹
Yadgar Karimi²

Received: 11/11/2017
Accepted: 23/05/2018

Abstract

This paper examines the typological aspects of coordinated WH-Questions in Persian language. Coordination is one of the syntactic operations that makes a compound or complex phrase or sentence. It is widely assumed that two conjuncts have to be alike in their grammatical and semantic functions. Williams (1981) proposed the *Law of Coordination of Likes*; that is, the coordinated constituents must be the same in terms of their syntactic category;

1) a. John ate **the apple and the orange**.

b.* John ate **the apple and yesterday**.

In example (1b) the constituents *the apple* (NP) and *yesterday* (ADVP) differ in their syntactic categories. So, this violates the Law of Coordination of Likes. Despite the above description, the coordination of WH-words with different functions is possible in languages such as Hungarian:

2) a. ***Ki es mikor*** *latta Marit?* (pre verbal coordination in Hungarian)

who-nom and when saw-3Sg Mary-acc

“Who saw Mary and when?”

b. ***Mikor es hol*** *lattad Marit?*

when and where saw-2Sg Mary-Acc

“When and where did you see Mary?”

3) a. ***Ki*** *latta Marit* ***es mikor?*** (post verbal coordination)

who-Nom saw-3Sg Mary-Acc *and when*

“Who saw Mary and when?”

b. ***Mikor*** *lattad Marit* ***es hol?***

when saw-2Sg Mary-Acc *and where*

“When and where did you see Mary?”

(Lipták, 2003, p. 143)

¹ Assistant Professor of General Linguistics, Islamic Azad University, Rasht branch (Corresponding Author); vaezi@iaurasht.ac.ir

² Associate Professor of General Linguistics, Kordestan University; y.karimi@uok.ac.ir

In these coordinated WHs (e.g. 2a & 3a), an argument WH-word and an adjunct WH-word are coordinated; where the Law of Coordination of Likes does not seem to be held and the sentences are, yet grammatical. She classified the strategies of WH-coordination into four types. Adjunct CMWQ, only adjuncts can be coordinated like Dutch; Free CMWQ, any type of constituents can be coordinated, like Hungarian; Mixed CMWQ, only optional materials can be coordinated, like German and NO CMWQ, the coordination of WH-words is not permitted, like Chinese (Lipták, 2011). These cases have not been afforded due to consideration in the previous studies in Persian language. Thus, this paper attempts to find out what types of WH-words can be coordinated; whether Persian type is mixed, free or adjunct type and finally, which coordinated WH-words are permitted in sluicing.

In Persian, two adjunct-WH-words; one argument WH-word (obligatory or optional) and one adjunct WH-word are coordinated. However, the coordination of two argument WH-words has not been observed in the data gathered for this research. So, this language has its own properties which are different from the types (adjunct, mixed and free) proposed by Lipták (2011). Its properties are given in Table (1). Furthermore, the Persian coordinated WH-words are used in two types: sequential and split.

- 4) a. **key va kojâ** be donyâ âmadi? (sequential)
When & where were born. Sg.3.
“When and where were you born?”
- b. **Ĉe kasâni va ĉerâ** dar Tehrân be xiâbân âmadand?
Who & why in Tehran to street came. Pl.
“ ??Who and why did they come to the street? ”
- c. * **Ki va ĉi** xarid?
Who & what buy. Sg.Past.
“Who and what did she buy?”
- 5) a. **key** be donyâ âmadi **va kojâ**? (split)
When were born. Sg.3. & where
“When and where were you born?”
- b. **Ĉe kasâni** dar Tehrân be xiâbân âmadand **va ĉerâ**?
Who in Tehran to street came. Pl. & why
“ ??Who and why did they come to the street? ”
- c. * **Ki** xarid **va ĉi**?
Who buy.Sg.Past. & what
“Who and what did she buy?”

Table 1. Characteristics of Persian coordinated WH-questions

argument + argument	Arbitrary argument + Adjunct	Obligatory argument + Adjunct	Adjunct + Adjunct	Persian coordinated WH-questions
No	yes	yes	yes	

In this language, one WH-fronting is permitted; that is Persian does not have multiple WH-fronting like Bulgarian language. It was supposed if a language does not have wh-fronting, it cannot have CMWQ either. The movement of one WH-word is permitted in Persian, so it has the coordination of WH-questions in Persian. Each clause only has one focus constituent (Rizzi, 2004). Eventually, it has been

hypothesized that the coordinated constructions are probably bi-clausal, because it was supposed that if a language does not have multiple WH-fronting, it can have bi-clausal CMWQs only.

As mentioned above, Persian has two types of *sequential* and *Split* types of WH-coordination. In sluicing constructions, the sequential type of coordinated WH-words has just been observed. All these sentences showed the sluicing without any antecedent for WH-words.

6) Šenidim tasâdof karde amâ nemidunim bâ ki va key. (without antecedent)

Heard accident but not-know with who & when

“I heard she had an accident but I don’t know with whom and when.”

Keywords: Persian, Conjoined Multiple WH-questions, Language type, Coordination, Sluicing